

## جهان پس از مرگ در آئین های توحیدی

مفهوم بهشت و دوزخ که از ضوابط بنیادی آئین های توحیدی است و نقش بسیار مهمی در زندگی روزمره مسیحیان و مسلمانان دارد، به خلاف آنچه منطقاً انتظار می توان داشت در هر کدام از این سه آئین با دوتای دیگر متفاوت است و درک چنین تضادی در برداشت های ماوراء الطبیعه سه آئینی که خدای مشترک و بنابراین حقایق مذهبی مشترک دارند از دیرباز برای بسیاری از مفسران مذهبی دشوار بوده است، زیرا که در یکی از این آئین ها اساساً وجود بهشت و دوزخی منظور نشده است و آنچه هم که امروز در این زمینه در آن وجود دارد بعدها و آنهم بصورتی کاملاً مبهم بدان افزوده شده است، در دیگری فقط از دوزخ بصورتی کمابیش مشخص سخن می رود و بهشت ماهیتی صرفاً معنوی دارد که از آن توصیف روشنی بعمل نیامده است، در سومی بطور مشخص بهشت به صورت باغی پهناور و همیشه سرسبز و پر از جوی های شیر و عسل و شراب طهور و درختان میوه دار و حوریان و غلامان بهشتی و جهنم به صورت سیاهچالی آتشین و آکنده از شیاطین تازیانه بر دست و آب جوشان و غذای چرکین و درخت زقوم توصیف شده است.

در آئین یهود، چنانکه قبلاً گفته شد، تا زمان اسارت بابلی یهودیان در قرن ششم پیش از میلاد مسیح اصولاً برداشت مشخصی از زندگی در جهان دیگر و طبعاً از بهشت یا جهنم وجود نداشت و ارواح مردگان جملگی در مکان تاریک و سرد و خاموش بنام شنول می زیستند که قلمرو ظلمت و سکوت بود و در محلی در زیر زمین، یا در ژرفنای اقیانوس نامتناهی کائنات، یا در مکان ناشناخته ای که هر شامگاه خورشید در آنجا غروب می کند و ظلمات را بدنبال خود می آورد قرار داشت. در این دیار خاموشان همه مردگان مرد و زن و نیکوکار و شریر در کنار هم بسر می بردند و امتیازی بر یکدیگر نداشتند، زیرا پاداش و کیفر افراد در همین دنیا و همین زندگی داده می شد. کسی که بیشتر و بهتر به فرامین و دستورهای یهوه اطاعت می کرد (و نه کسی که نکوکارتر و پاکتر بود) از زندگی درازتر و رفاه زیادتری برخوردار می شد و کسی که در پیروی از اوامر یهوه قصور می کرد به مرگ زودرس گرفتار می آمد (کتاب مزامیر، مزمور دهم، ۲۷، مزمور یازدهم، ۹، مزمور هفتاد و سوم، ۱۸، کتاب ایوب، باب بیست و هفتم، ۷) در مورد پاداش و کیفر دسته جمعی قوم یهود نیز به همین ترتیب عمل می شد: «اگر به فرائض من سلوک نمائید و اوامر مرا بجا آورید آنگاه باران های شما را در موسم آنها خواهم داد و زمینان محصول فراوان خواهد آورد و درختانتان میوه خوب خواهند داد و خرمن شما تا رسیدن انگورتان کوفته خواهد شد و نان خود را به سیری خواهید خورد و دشمنان خود را دنبال خواهید کرد و همه را به شمشیر خواهید کشت، و من نیز بر شما التفات خواهم کرد و در میان شما خواهم خرامید و خدای شما خواهم بود» (سفر لاویان، باب بیست و ششم، ۳-۱۲). و اگر فرائض مرا آتطور که فرموده ام بجا نیاورید، برایتان خوف و سل و تب خواهم فرستاد و آسمانتان را مثل آهن و زمینتان را مثل مس خواهم کرد و وحوش صحرا را بر شما خواهم فرستاد تا شما را بی اولاد کنند و حیواناتتان را به هلاکت رسانند، و ده زن نان شما را در یک تنور خواهند پخت، گوشت پسران خود را خواهید خورد و گوشت دختران خود را خواهید خورد و شمشیر را در عقب شما خواهم کشید» (سفر لاویان، باب بیست و ششم، ۱۵-۳۳).

اعتقاد به بقای روح و جهان بعد از مرگ و روز حساب و بهشت و دوزخ تنها در دوران آشنائی یهودیان با ایران زرتشتی و حکومت دویست ساله هخامنشی بر سرزمین فلسطین در دین یهود راه یافت.<sup>۱</sup> در این برداشت های تازه گناهکاران در جهان دیگر در مرگ ابدی باقی می ماندند، ولی ثوابکاران به بهشتی می رفتند که نظیر باغ عدن آفرینش چهار رودخانه داشت: یک رود عسل برای پیغمبران اسرائیل، یک رود شیر برای کودکان اسرائیل، یک رود شراب برای شیوخ مذهبی اسرائیل و یک رود روغن برای سایر مومنین یهود. در این بهشت محرابی وجود داشت که در تمام مدت داود پیغمبر در آن به نواختن عود و خواندن سرودهای مزامیر مشغول بود.<sup>۲</sup>

۱- به فصل مربوط به تأثیر معتقدات زرتشتی در آئین های توحیدی مراجعه شود.

۲- در حماسه بابلی گیلگمش نیز، پادشاه و پهلوان داستان در پایان زندگی وارد باغی آسمانی می شود که درخت خدایان در مرکز آن قرار دارد و شاخه های آن از فیروزه ساخته شده اند.

در انجیل تقسیم ارواح مردگان به دو گروه نیکان و بدان، که بر اساس آن نیکان به بهشت می روند و بدان به دوزخ، در روزی بنام روز قیامت یا روز حساب انجام می گیرد که برای نخستین بار در انجیل متی از آن سخن رفته است: «... در آنروز پسر انسان (عیسی) بر تخت پادشاهی خود خواهد نشست، و تمام مردگان در حضور او گرد خواهند آمد و وی آنان را به دو گروه آموزیدگان و ملعونان تقسیم خواهد کرد. آنگاه به آنانیکه در سمت راست او هستند خواهد گفت: ای کسانی که از جانب پدر من برکت یافته اید، بیایید و وارث آن پادشاهی شوید که از آغاز آفرینش عالم برای شما آماده شده است، زیرا که شما وقتیکه گرسنه بودم به من خوراک دادید، وقتی تشنه بودم آب دادید، وقتی برهنه بودم مرا پوشانیدید و وقتیکه غریب بودم مرا به خانه خود بردید. و نیکان پاسخ خواهند داد: ای خداوند، ما ترا هیچوقت گرسنه یا تشنه یا برهنه و یا غریب ندیدیم که چنین کرده باشیم، ولی عیسی در جواب خواهد گفت: بدانید که آنچه به یکی از کوچکترین برادران من کردید به خود من کردید. و پس از آن به ملعونان خواهد گفت: از من دور شوید و به آتش ابدی که برای ابلیس و شیاطین او آماده شده است بروید، زیرا که وقتی که گرسنه بودم به من خوراک ندادید، وقتی تشنه بودم به من آب ندادید، وقتی برهنه بودم مرا نپوشانیدید و وقتی غریب بودم به من مسکن ندادید و آنان جواب خواهند داد: کی ما ترا گرسنه یا تشنه یا غریب و یا عریان دیدیم و کاری برایت نکردیم؟ ولی عیسی خواهد گفت: بدانید که آنچه از یکی از کوچکترین برادران من مضایقه کردید از من مضایقه کردید. پس از آن، نیکان به حیات جاودانی وارد خواهند شد و بدان به کفرابندی خواهند رسید» (متی، باب بیست و پنجم، ۳۱-۴۵).

در رساله «مکاشفه پطروس رسول» که کلیسا آنرا در متون رسمی عهد جدید منظور نداشته است، ولی نمایانگر گویایی از معتقدات اولیه مسیحیان درباره بهشت و جهنم است، دوزخ سرزمینی ظلمانی توصیف شده است که در آن رودهایی از آتش جاری است و دریایی از آتش گناهکاران را در درون خود جای داده است، و سیاهچال هایی در آن وجود دارند که در آنها دوزخیان در معرض نیش مارها و عقرب ها قرار دارند و در میان خون و نجاست و مدفوعات متعفن بستر می برند که زنان گناهکار تا گلو در آن فرو می رود، و گاه نیز این گناهکاران در دریایی از یخ جای دارند. در برخی از رساله های عهد جدید مسیحیانی که تعمید گرفته اند در کفر گناهان خود از امتیازات خاصی برخوردارند، یعنی مستقیماً در جهنم جای داده نمی شوند، بلکه در مکانی به نام برزخ که حکم پیشخوان جهنم را دارد متوقف می شوند، تا شاید بعداً مورد بخشش قرار گیرند. کلیسای کاتولیک که روزی خاص بنام روز ارواح دارد عقیده دارد که از راه صدقه و دعای بستگان می تواند برای نجات این برزخیان بدرگاه خداوند شفاعت کند. با این همه این کلیسا عقیده «اورینگنس» قدیس قرن سوم را که سرگردانی ابدی این برزخیان با بخشش و رحمت الهی مسیحیت سازگار نیست و اینان سرانجام جملگی بخشیده خواهند شد نپذیرفته و حتی او را متهم به بدعت کرده است.

درباره بهشت و ماهیت آن در عهد جدید توضیح مشخص داده نشده است. در انجیل لوقا یکبار از قول عیسی آمده است که به مردی که همزمان با او به صلیب کشیده شده، «امروز با من در فردوس خواهی بود» (لوقا، باب بیست و سوم، ۴۳). در رساله دوم به قرننیان، پائولوس می نویسد: من شخصی را می شناسم که چهارده سال پیش به آسمان سوم بالا برده شد و می دانم که این مرد به بهشت برده شده بود» (فصل دوازدهم، ۲-۳). کاملترین توصیف بهشت مسیحی را در عهد جدید در نامه اول پائولوس به تسالونیکان می توان یافت:

«ما این را به حکم خدا به شما می گوئیم: آن کسانی از ما که تا روز آمدن خداوند زنده می مانند زودتر از مردگان صعود خواهند کرد، بلکه در همان وقت که فرمان الهی صادر می شود و رئیس فرشتگان ندا در می دهد و شیپور خدا به صدا درمی آید خود خداوند از آسمان به زیر خواهد آمد و آنگاه کسانی که در ایمان به مسیح مرده اند زودتر از دیگران برخوانند خاست. سپس آن هائی که در میان ما هنوز زنده مانده اند همراه با آنان در ابرها بالا برده خواهند شد تا در آسمان با خدا ملاقات کنند. از آن پس ما همیشه در کنار خداوند خواهیم بود» (رساله اول پائولوس رسول به تسالونیکان، باب چهارم، ۱۶-۱۷).

در قرآن در ۳۰ سوره و ۷۰ آیه از روز قیامت به تفصیل یاد شده است. این روز که معادل با پنجاه هزار سال زمینی است با صوراسرافیل آغاز می شود (ابراهیم، ۷۳، کهف، ۹۹) و به دنبال آن دگرگونی عظیمی در کائنات صورت می گیرد که توصیف آن در سوره تکویر چنین آمده است: «آنگاه که خورشید فروغ خود را از دست بدهد، و ستارگان تاریک شوند، و کوه ها از جای کنده شوند، آنگاه که شتران آبستن به حال خود رها گردند، و حیوانات وحشی بدور هم گرد آیند، و دریاها به جوشش در آیند، و ارواح با یکدیگر درآمیزند، آنگاه که نامه اعمال کسان گشوده شود، آسمان جای خود را عوض کند، و تنور دوزخ فروزان گردد، و بهشت نزدیک آورده شود، هر روانی خواهد دانست که بابت

چه اعمالی می باید جواب پس بدهد» (تکویر، ۱-۱۳) و در سوره بعد از آن، افزوده شده است که: «آنگاه که آسمان بشکافد، و ستارگان پراکنده شوند، و دریاها از مرزهای خود فراتر روند، و تابوت های مردگان واژگون گردد، هر روانی بر آنچه از خوب و بد کرده است آگاهی خواهد یافت» (انفطار، ۱-۵). در این روز که روزی وحشتناک (انعام، ۱۵)، روزی پررنج (هود، ۲۶)، روزی پر حسرت (مریم، ۳۹)، روز بازماندن دیدگان از بینایی (ابراهیم، ۴۲)، روزی دشوار (قمر، ۸)، روز موعود (بروج، ۲)، روزی برگشت ناپذیر (روم، ۴۳) خوانده شده است. همه مردگان از گورهای خود برخوانند خواست (قی، ۴۲)، و به پای ترازوی حساب برده خواهند شد (لقمان، ۳۳) تا ثواب ها و گناهان آنان سنجیده شود (مومنون، ۱۰۲-۱۰۴). آنگاه بدنبال یک داوری عادلانه که ذره ای در آن تخلف نمی شود گروهی از آنان برای همیشه به بهشت خواهند رفت و گروهی دیگر به دوزخ خواهند افتاد تا بصورت ابدی در آن بمانند (بقره، ۴۸). مسیر ارواح در رفتن به بهشت یا دوزخ، پلی است که در قرآن «صراط الجحیم» نامیده شده است و در اصطلاح جاری بدان پل صراط می گویند (صافات، ۲۲). هنگام عبور بهشتیان این پل صورتی پهن و زمینی نرم و هموار دارد، ولی در موقع گذشتن دوزخیان به باریکی یک مو و به تیزی یک شمشیر درمی آید.

نزدیک به سیصد بار در قرآن از دوزخ بصورت جهنم و جحیم نام برده شده (که هر دو اصطلاح از تورات گرفته شده اند).<sup>۱</sup>

در همه آیات، از آتش سوزان و تنور گداخته و شعله های فروزان دوزخ سخن رفته است، و از اینکه دوزخیان جاودانه در این آتش خواهند ماند و هرگز از آن رهائی نخواهند یافت. دیوارهای دوزخ از آتش ساخته شده اند و درون آنها آکنده از باد سوزنده و آب های خروشان و دود غلیظ است (واقعه، ۴۲-۴۴)، دست و پای هر دوزخی در زنجیری هفتاد زری بسته شده است که با آن به آتش کشانده می شود (حافه، ۳۰) و بر سرش آب جوشان ریخته می شود (دخان، ۴۷) و گرز آهنین کوفته می شود (حج، ۱۹) و آتش از بالا و پائین و از همه سو او را در میان می گیرد (عنکبوت، ۵۴)، جامه او از آتش است (حج، ۲۲)، و چهره او نیز از آتش پوشیده شده است (مومنون، ۱۰۳)، و هر زمان که پوست تنش در آتش بریان شود پوستی تازه بر او می روید تا عذابش ادامه یابد (نساء، ۵۶). دوزخی می کوشد تا از شعله های آتش بگریزد، اما هربار ملاتک جهنم بدو بانگ می زنند که بجای خود باز گردد و عذاب دوزخ را بچشد (سجده، ۲۰). در اعماق دوزخ درختی تلخ رونیده است که میوه هانی بشکل سرهای شیطان دارد و دوزخیان این میوه ها را می خورند و روده هایشان در شکم ها پاره می شود (صافات، ۶۲) و هنگامی که از تشنگی فریاد برمی آورند، مأموران دوزخ بدانان آبی چرکین می نوشانند که عطششان را زیادتیر می کند (ابراهیم، ۱۶). و چون از خداوند درخواست خروج از دوزخ را می کنند تا گناهان گذشته خویش را جبران کنند، خداوند بدانان پاسخ می دهد که عذاب آنان هرگز فروکش نخواهد کرد. و مرگ تازه ای نیز برایشان مقدر نخواهد شد، زیرا که برای ستمکاران یار و یآوری نیست (فاطر، ۳۷).<sup>۲</sup>

۱۳۵ بار نیز از بهشت به صورت جنت و جنات، ۱۰ بار به صورت عدن و دوبار بصورت فردوس نام برده شده است.<sup>۳</sup> در همه این موارد بهشت مفهوم باغی بزرگ را دارد که بهشتیان زندگانی آن جهانی خود را جاودانه در آن می گذرانند و از نوع لذایذ جسمانی برخوردارند. این باغ در قرآن بصورت دارالسلام (خانه آرامش) و مقعدالصدیق (تشیمنگاه راستی) و جنات خلد (باغ های ابدی) توصیف شده است، که پهنای آن باندازه آسمان و زمین است (آل عمران، ۱۳۳) و در مکانی بسیار بالا جای دارد (حافه، ۲۲) و در آن جوی های بسیار (بقره، ۲۵) و چهار رودخانه اصلی (محمد، ۱۵) جریان دارند و چشمه ها از زمین می جوشند (حجر، ۴۵) و چمنزارهای آن همواره به گل آراسته اند (روم، ۱۵). میهمانان بهشتی (بقره، ۸۲) در این سرای جاودانی از سعادت ابدی برخوردارند (نساء، ۱۳) و از پاداشی

۱- دره جهنم در نزدیکی اورشلیم در اصل از مراکز پرستش مولوخ خدای بزرگ کنعانیان بود که در دوران استیلای رومیان محکومان به مرگ در آنجا به صلیب کشیده می شدند. نام این دره از مالک اولیه آن بنام هنم گرفته شده بود که بعداً بصورت جهنم درآمد و مرادف با دوزخ شناخته شد.

۲- در میتولوژی آشوری که احتمالاً منبع اصلی دوزخ های "توحیدی" است، دوزخ در زیر زمین قرار دارد و دارای هفت طبقه است که دوزخیان برحسب طبقه بندی گناهان خود در آنها جای دارند، و هفت حصار بر دور آن کشیده شده است. خوراک دوزخیان خاک و گل است، و راه ورود بدان رودخانه ای است که رود ظلمت نامیده شده است.

۳- این کلمه فارسی، بهمین صورت، هم در تورات، هم در انجیل و هم در قرآن آمده است. در غزل غزل های سلیمان گفته شده است: "عروس من فردوسی است که در هایش بسته است" (غزل غزل ها، باب چهارم، ۱۲)، و در انجیل آمده است: "... و عیسی در بالای صلیب به او گفت امروز با من در فردوس خواهی بود" (لوقا، باب بیست و سوم، ۴۳)، "می دانم که این مرد به فردوس برده شد" (رساله دوم پائولوس به قرنتیان، باب دوم، ۴)، "کسی که رستگاری شود از درخت زندگانی که در فردوس خدا می روید خواهد خورد" (مکاشفه یوحنا، باب دوم، ۷). در قرآن در دو سوره اسری، آیه ۱۰۷ و مومنون، آیه ۱۱، این کلمه به همین صورت فردوس بکار رفته است.

بیکران بهره می برند (مائده، ۹). میوه های بهشتی همواره در دسترسشان است (یس، ۵۷) و نوشیدنی های فراوان (صافات، ۴۵) و شراب پاک (مطففین، ۲۵) که توسط حوریان بر آنها عرضه می شود (دخان، ۴۴)، حوریانی سپید اندام و فراخ چشم (طور، ۲۰)، به لطافت مرواریدهای در صدف (واقعه، ۲۳) که در کنارشان زیر سایبان ها می آرمانند (یس، ۵۶) و پیش از آن دست هیچ جن یا آدمی بدانان نرسیده است (الرحمن، ۵۶) و به زیبایی یاقوت و مرجانند (الرحمن، ۵۸)، و همیشه باکره اند (واقعه، ۳۶)، و نیز پسرانی جوان (غلمان) که در جام ها و صراحی ها باده گوارا که درد سر نمی آورد و میوه هانی از هر قسم که برگزینند و گوشت های پرندگان از هر نوع که خواسته باشند بر آنان دور می گردانند (واقعه، ۱۷-۲۱).

بهشتیان جامه هانی از استبرق سبز بر تن و دستبندهای زرین در دست دارند (کهف، ۳۱) و بر تخت هانی نشسته اند که فرش هانی زیبا بر آنها گسترده است، بر بالش هانی از حریر سبز تکیه می زنند (رحمن، ۷۶)، در کنار حوریانی درشت چشم و کوتاه نگاه (که جز به مصاحبشان نمی نگرند) و گویی دیدگانشان بیضه های در پرده پوشیده ماکیانند (صافات، ۴۸، ۴۹).<sup>۱</sup>

۱- غزالی در احیاء علوم الدین، اثر معروف و معتبر خود، از قول پیامبر اسلام نقل می کند که به هر مرد مسلمانی که به بهشت می رود دقیقاً چهارصد حوری باکره و پانصد حوری دست دوم و هشت هزار بیوه برای همسری تعلق می گیرد (جلد چهارم، چاپ قاهره، ۱۳۴۸ هجری).